

هویت دینی انقلاب اسلامی و تهاجم بیگانگان

حمید نگارش
استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

شاخص انقلاب ایران، هویت دینی و اسلامی آن می باشد که انسان ها را به دستورات الهی و عدالت طلبی فرامی خواند و با هرگونه سلطه پذیری مقابله می کند. لذا دشمنان انقلاب اسلامی می کوشند ضمن مقابله با هویت دینی خرمن باورهای پاک مردم را آتش بزنند. این مقاله می کوشد ضمن توضیحی کوتاه از تعریف هویت و هویت دینی شاخصه های هویت دینی و پیامدهای تضعیف آن را بیان نماید.

کلید واژه ها: هویت دینی، هویت، انقلاب اسلامی، بیگانگان.

مقدمه

از دیدگاه صاحب نظران، مهم ترین ویژگی انقلاب اسلامی، که آن را از دیگر حرکتهای انقلابی معاصر، متمایز می سازد، هویت دینی و رسالت فرهنگی آن است.

این رسالت خطیر، با ارائه الگویی عملی و عینی به جهان بشریت انجام گرفت؛ الگویی که در آن ارزش های الهی و انسانی بر روابط فردی، اجتماعی و حکومتی احاطه دارد و مسیر حرکت را به گونه ای طرّاحی می کند که هر انسانی با حرکت در آن مسیر، امکان دست یابی به هویت واقعی خویش را پیدا می کند.

با توجه به همین ویژگی اختصاصی است که حکومت اسلامی به عنوان برترین نظام سیاسی، پاسخ‌گوی همه نیازهای معنوی و روحی انسان، تلقی می‌شود.

استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا در مقابل این انقلاب بزرگ، به مقابله برخاست و برای محو آن و آثارش از هیچ کوششی دریغ نکرد. تحریم اقتصادی، جنگ تحمیلی هشت ساله، تقویت گروهک‌های محارب و... از جمله این تلاش‌ها بودند.

اما در حال حاضر، استراتژی‌های غرب، برای مبارزه با انقلاب اسلامی و پیام فرهنگی آن پیچیده‌تر و وارد مرحله حساس‌تری شده است. هنگامی که امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا، در حرکت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی علیه انقلاب اسلامی به موفقیت چشم‌گیری دست نیافت و استراتژی کوتاه‌مدت را برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی ناتوان دیده به فکر استراتژی، بلندمدت جهت مقابله با آن افتاد. این استراتژی استحاله فرهنگی در جهت از بین بردن هویت دینی و ایجاد انقطاع فرهنگی بین نسل اول و دوم و سوم انقلاب بود که به عنوان بهترین و کارآمدترین روش در این زمینه انتخاب شد؛ روشی که در نوع خود، کم‌نظیر بوده، از کارآیی بالایی برخوردار می‌باشد.

به هر حال هجوم جدید غرب به فرهنگ‌ها و باورهای دینی ملت‌ها از جمله ملت ایران، تشویش خاطر و پریشانی را دوچندان کرده است. غربی‌ها با طرح نظریه دهکده جهانی «مک - لوهان»^۱ و امثال آن، زمینه را برای پذیرش فرهنگ خود در سراسر دنیا مهیا نموده‌اند. بر اساس فرضیه دهکده جهانی که به واسطه فن آوری غرب در سراسر جهان تبلیغ می‌شود، جهان، مجموعه واحدی خواهد شد که مردم سراسر آن ناگزیرند بر اساس شیوه‌ای که اقتضای این سیطره جهانی است، بیندیشند و هویت دینی و ملی خود را ترک کنند و با ایجاد زمینه انقطاع نسبت به باورها و هویت دینی خود، فرهنگ همگانی غرب در دهکده جهانی را به عنوان یگانه فرهنگ بپذیرند.

این مقاله در صدد تبیین این نکته است که تنها راه مقابله با این شگردهای جدید دشمن، بازگشت به هویت دینی و فرهنگی خویش است. فرزندان این مرز و بوم بدانند فرهنگ اسلامی به مصداق ضرب‌المثل معروف ایرانی که «هر که زر دارد دشمن در بردارد»، به دلیل برخوردارگی از یک اندیشه دینی و ملی قوی و پایدار همواره مورد تهاجم بیگانگان بوده است. پس باید به خود آیم و به خود، تاریخ و شناسنامه و نسب تاریخی خود افتخار کنیم و

ندای بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی را نه تنها در جامعه بلکه در جهان طنین انداز کنیم. و کلام امام راحل را آویزه گوشمان قرار دهیم که فرمود:

امروز، جهان تشنهٔ فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) است.^۲

هویت و ضرورت تبیین آن

هویت (Identity) در اصطلاح جامعه‌شناختی، کوشش فرد است به منظور تحقق یکتایی خویشتن، در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است.^۳ به عبارت دیگر هویت، مجموعه عناصری از شخصیت فرد است که به وی امکان می‌دهد تا موضع خود را نسبت به جهان و دیگران مشخص کند. هویت داشتن؛ یعنی تصویر روشنی از چگونگی بودن که ریشه در گذشته داشته، در حال حاضر ادامه دارد و به آیندهٔ دور نیز نظر دارد. هویت از یک منظر، نگرشی به خود و از منظر دیگر، نگرشی به برون است که به رابطهٔ بین خود و دیگران مربوط می‌شود و سرانجام، هویت هر فرد، تصویری است که انسان از خویشتن واقعی خویش می‌یابد.

نیاز به داشتن هویت، آن‌چنان بر روان و اندیشهٔ انسان به ویژه جوانان مسلط می‌شود که او را به تکاپوی خستگی‌ناپذیر در راه کسب آن وا می‌دارد. آرمان‌گرایی، عشق و محبت، تشخیص طلبی، رقابت، هنر‌نمایی، استقلال‌طلبی و بسیاری دیگر از مشخصه‌های نوجوانی و جوانی از شاخصه‌های مهم این حرکت می‌باشد. از این رو، روان‌شناسان در بحث بحران هویت جویی، نیاز جوان به هادی و راهنما را ضروری می‌دانند تا در مسیر حرکت برای کسب هویت، دچار انحراف نشود.

جوانان برای کسب هویت، از عوامل گوناگونی چون خانواده، نهادهای پرورشی، تغییر و تحولات اجتماعی، فشارهای فرهنگی، رسانه‌های گروهی و مطبوعات متأثر می‌باشند که دو عامل نخست، بیش‌ترین و پایدارترین تأثیر و نقش را در این میان بر عهده دارند. جوانان و نوجوانانی که از معرفت به هویت خویشتن برخوردارند و یا آن را به مدد ارتباط با مربیان فرهنگی خود احراز می‌کنند، توان تحلیل و تفسیر رویدادهای فرهنگی و در نتیجه مقابله با تهاجمات فرهنگی را نیز کسب می‌کنند و به افرادی قدرتمند و نفوذناپذیر تبدیل می‌گردند. به همین دلیل، ضرورت تلاش برای شناساندن هویت نوجوانان آشکار می‌گردد.

هویت دینی

هر رفتار و سلوکی که ریشه در وحی داشته باشد، دارای هویت دینی است. به عبارت دیگر، هویت دینی پس از تحکیم ارتباط انسان با عالم وحی و خداوند و قبول حاکمیت الهی، در وجود انسان و جامعه شکل می‌گیرد. پس از تثبیت هویت دینی، رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آرمان و هدف دینی شکل می‌گیرد. هویت دینی همواره به انسان می‌نمایاند که طبیعت، بخش نازل هستی است و هستی، بخش برتری نیز دارد که بر طبیعت نیز تأثیر می‌گذارد. طبیعت در تعبیرهای اسلامی، به آیت، یا نشانه یاد شده است که از بخش دیگر عالم، حکایت می‌کند.

با نگرش انسان به عالم هستی از منظر دین، هیچ‌گاه آدمی از باطن امور - که نقش تعیین‌کننده نسبت به ظاهر دارد - غافل نمی‌شود و پندار، گفتار و رفتار خود را با جهان‌بینی الهی، تطبیق می‌دهد. در جهان‌بینی غیر دینی - که در آن فرد و جامعه فاقد هویت دینی است - فرد به دنبال خواسته‌هایی است که بدون ارتباط با عالم غیب و بدون توجه به راهنمایان دینی و تنها به کمک عقل ناقص و تمایلات شخصی به آن رسیده است. در چنین جوامعی الگوها و اسوه‌های ایده‌آل به سرعت تغییر می‌کنند و هر کس رأی خود را میزان عملکردها قرار می‌دهد. در این منظر، هدایت الهی هیچ جایگاهی ندارد.

جایگاه انسان در هویت دینی، جایگاه خلیفه‌اللهی است و انسان به عنوان خلیفه‌الله در عالم حضور دارد و سر منزل و مقصود عالم نیز برای او مشخص است. امروزه صاحبان فن آوری معاصر با ابداع فرهنگ‌های تهاجمی، سعی در مقابله با هویت دینی انسان‌ها دارند و منکر هر گونه ارتباط قدسی در عالم موجود هستند. بدیهی است که اولین وظیفه مسئولان و دلسوزان امور فرهنگی جامعه، توجه به این امر مهم و پیش‌گیری از کم‌رنگ شدن این ارتباط و در نتیجه از بین رفتن هویت دینی در بین اقشار جامعه - به ویژه نسل جوان - است. پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت بسیار خوبی را فراهم آورد تا جوانان در پرتو جاذبه‌های معنوی آن، رشد و بالندگی و اعتلای فرهنگ و هویت دینی را تجربه کنند و توشه آخرت بگیرند. دوران جوانی، مرحله حساسی از زندگی انسان است که طی آن تحولات جسمانی، نوسان‌های عاطفی، تمایلات غریزی، تعارض‌های درونی به طور دائم ذهن و روان جوان را به خود مشغول می‌سازند و در مسیر اعتلای فرهنگ و هویت دینی

آنان پرده ابهام می‌افکند. انقلاب اسلامی با احیای فرهنگ، هویت دینی و تفکر مذهبی، شخصیت نسل جدید و حضور فعال آنان و مردم را در صحنه‌های مختلف اجتماعی تثبیت و تضمین نمود. بدیهی است که این ثمره انقلاب، مورد پسند دشمنان و بیگانگان نبود، و در صدد ضربه زدن به آن برآیند. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان تا کجا ما را تحمل می‌کنند؟ و به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند و چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا در تعقیب مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لگه‌دار نمایند.^۴

باید اعتراف کرد که توسعه و گسترش فرهنگ دینی انقلاب، هر چند با پیشرفت‌های مادی تمدن غرب هیچ منافاتی نداشت، اما وجود تضاد ذاتی بین فرهنگ زیاده‌خواه و مادی غرب و فرهنگ اسلامی، سیاست‌گذاران غرب را بر آن داشت تا در مقابل فرهنگ اسلامی به مقابله برخیزند و آخرین روش غرب در این رویارویی، استحاله فرهنگی جوانان و بی‌هویت ساختن آنان است. در مقابل این تهاجم، آگاهی دادن به جوانان و نوجوانان و ترغیب آنان به شناخت هویت دینی خود، بهترین راه در امان ماندن از ضربات سخت و مهلک است. در این صورت، آنان با عجزین ساختن معنویت و روح دین باروان خود، نه تنها از آسیب‌های فرهنگی در امان خواهند ماند، بلکه جامعه بزرگ اسلامی را نیز در فرهنگ سازی دینی یاری خواهند کرد.

برای آشنایی با هویت دینی لازم است شاخصه‌های آن شناخته شود. اینک این مشخصات به اختصار توضیح داده می‌شود.

شاخصه‌های هویت دینی

۱. اعتقادی

۱-۱. اعتقاد به خدا: از مهم‌ترین مباحث هستی‌شناسی، بحث خداشناسی و اعتقاد به وجود خداست. اعتقاد به یک مبدأ متعالی از کهن‌ترین مظاهر حیات انسانی است.

انسان از سپیده دم تاریخ به حکم فطرت پاک خدادادی، اولین و اساسی ترین باور دینی، یعنی اعتقاد به خدا را در وجود خود داشته و می دانست این اعتقاد، هر اندازه در عمق جان انسان بیش تر رسوخ کند در تصحیح انگیزه ها، هدف ها، آرزو ها، اندیشه ها گفتار و حتی اعمال و رفتار وی تأثیر بیش تری می گذارد.

از سوی دیگر، مهم ترین انگیزه بعثت پیامبران، نفی شرک، اثبات توحید و اعتقاد به خدای یگانه بوده است و دعوت رسول گرامی اسلام حضرت محمد(ص) با شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» آغاز شده است.

۲- ۱. اعتقاد به معاد: یکی از شاخصه های مهم اعتقادی در هویت دینی، ایمان و اعتقاد به معاد می باشد. از آن جا که باورها و اعتقادات آدمی نقش تعیین کننده ای در زندگی و رفتار انسان ها دارد، اعتقاد به معاد نیز آثار و پی آمدهای مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها دارد. می توان گفت اعتقاد به معاد منشأ گرایش انسان ها به فضایل اخلاقی است. مهربانی به دیگران، راستگویی، مبارزه با ظلم، استقامت در راه دین و... همه از آثار ایمان به معاد است.

مسئله معاد و یادآوری آن در تعالیم انبیاء، بخصوص پیامبر بزرگوار اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. قرآن کریم نیز مکرر انسان ها را به برپایی قیامت تذکر داده است.^۵ و از آن جا که بسیاری از اعمال انسان ها در این سرابدون پاداش می ماند، عدالت اقتضا دارد که جهان دیگری باشد تا در آن، انسان ها به پاداش و سزای اعمال خود برسند.

۳- ۱. اعتقاد به پیامبر خاتم(ص): از منظر جهان بینی الهی، انسان نیازمند هدایت الهی است که از طریق انبیا انجام می گیرد. عالم هستی، هدفی را دنبال می کند. انسان نیز جزئی از عالم هستی است، اما چه بسا به دلیل اعمال ناشایست خود، این هدف را گم کرده باشد. در این صورت پیامبران مأمور می شوند تا به او تذکر دهند و راه صحیح زندگی و نیز آینده او را به او یادآوری کرده و فطرت پاکش را به یادش آورند و او را در مسیر تکامل و حقیقت راهنمایی کنند.

اعتقاد به این که «خداوند برای هدایت انسان از بین خودشان پیامبرانی را برگزید که نخستین آنان حضرت آدم(ع) و آخرین آنان پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشد و همراه عده ای از آنان کتاب فرستاد» از ضروریات دین اسلام می باشد.

۴- ۱. اعتقاد به ائمه معصومین(ع): امامت همواره به عنوان مهم ترین شاخص مذهب تشیع در طول تاریخ اسلام، مطرح بوده است. به دنبال اعتقاد به نبوت - که ابلاغ احکام الهی و تعلیم مکتب بود - وظیفه عمده امامت یعنی مسئولیت تبیین احکام الهی و جهت خدایی دادن به کارها روشن می گردد. گفتنی است که در وادی دین و سلوک، شناخت اسوه ها و آشنایی با الگوها ضروری است. اهل بیت عصمت و دست پروردگان آنان بهترین ها می باشند. بی تردید بعد از امامان معصوم(ع) عالمان راستین، چراغ های فروزانی هستند که می توان از فروغ آنان در راه زندگی بهره جست و از رفتار و خصلت هایشان درس چگونه بودن را آموخت.

۲. شاخصه های اخلاقی

۱- ۲. توکل: از شاخصه های مهم اخلاقی در هویت دینی، توکل به خداوند است. توکل در فرهنگ اسلامی جایگاه بس خطیری دارد. توکل داشتن، یعنی این که انسان خداوند را ملجأ و پناهگاه واقعی خویش بداند و در همه امور به او تکیه کند. پیدایش این حالت در روح آدمی از معرفت انسان به ربوبیت الهی نشأت می گیرد. یعنی اگر انسان، خدا را مالک و صاحب اختیار هستی بداند و تنها او را فاعل مؤثر، قلمداد کند، در واقع به او توکل کرده است. به عبارت دیگر، همان گونه که انسان برای پیشرفت امور دنیوی خود، وکیل اختیار می کند و بسیاری از امور را برای رسیدن به نتایجی روشن تر به او واگذار می نماید، بنده خدا نیز در همه امور زندگی باید به خدا تکیه کند تا خواسته هایش تأمین گردد.

در عصر حاضر، امام خمینی(ره) نمونه یک انسان برجسته الهی بود که در همه حالات زندگی، به خدا توکل داشت. یکی از نویسندگان مسیحی درباره حالت اطمینان و توکل امام می گوید:

«خیلی چیزهای انقلاب ایران من را جذب کرد، ولی مهم تر از هر چیز خاطرۀ من از رهبر انقلاب ایران می باشد. من با این که خیلی از شخصیت ها و سیاستمداران جهان را دیده ام؛ اما تاکنون کسی را مانند وی این گونه مطمئن و آرام ندیدم؛ با وجود این که مردی انقلابی و خستگی ناپذیر است ولی گویا دنیایی از آرامش و اطمینان او را همراهی می کند.»^۶

۲-۲. تواضع: تواضع از دیگر ویژگی‌ها و صفات اخلاقی یک فرد مسلمان است که دین مبین اسلام در مورد این خصلت انسانی تاکید زیادی دارد. کتاب آسمانی قرآن که زبان اسلام است درباره تواضع می‌فرماید:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا.^۷

بندگان خاص خدا کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند به آن‌ها سلام می‌گویند. (با بزرگواری می‌گذرند.)
موضوع تواضع از ابعاد مختلفی قابل بررسی و تبیین می‌باشد، اما شاخص‌ترین آن‌ها با توجه به موضوع مقاله، بررسی بعد اجتماعی به ویژه در نحوه برخورد با مردم می‌باشد که به آن اشاره می‌شود.

فروتنی و تواضع در برخورد با مردم، سنجیه بارز امام خمینی (ره) بود. ایشان تنها رهبر یک انقلاب بزرگ در جهان بود که همواره مسأله احترام به مردم را گوشزد می‌نمود. مقام معظم رهبری در فرازی درباره تواضع امام (ره) می‌فرماید:

هر وقت از مردم صحبت می‌شد خودش را کوچک‌تر می‌انگاشت و در مقابل احساسات و ایمان و شجاعت و عظمت و فداکاری مردم، سر تعظیم فرود می‌آورد و خاضعانه می‌گفت: مردم از ما بهترند. گاهی در مقابل کارهایی که به نظر مردم معمولی می‌آید، آن روح بزرگ و آن کوه سستبر، تکان می‌خورد و می‌لرزید. هنگام جنگ، بچه‌های مدرسه در نماز جمعه تهران، قلک‌های خود را شکسته بودند و پول‌هایش را برای جنگ هدیه کرده بودند. فردای آن روز که خدمت امام رسیده بودم، ایشان را در حالی که چشم‌های خدا بینش از اشک پر شده بود دیدم. به من فرمودند: کار این بچه‌ها را دیدی؟ به قدری این کار به نظرش عظیم آمده بود که او را متأثر ساخته بود.^۸

۳. شاخصه‌های سیاسی^۹

۱-۳: دشمن‌شناسی: در دین مبین اسلام دشمن‌شناسی از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که بخشی از آیات قرآن و روایات به آن پرداخته است و در ضمن داستان‌های متعددی، چهره‌ها، شیوه‌ها و انگیزه‌های دشمنان جبهه توحید را در شکل‌های گوناگون مطرح می‌نماید. بی تردید انقلاب بزرگی هم چون انقلاب اسلامی

ایران که ریشه‌های حاکمیت طاغوت را از بیخ و بن بر کند، برای حفظ و تداوم حرکت خود باید دشمنان خود را به خوبی شناسایی کند تا بتواند در برابر حملات و شگردهای خاص آنان به خوبی ایستادگی نماید.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

از پیروزی انقلاب تا امروز همه تلاش امام عزیزمان و دیگر کسانی که در راه آن بزرگوار حرکت می‌کردند بر حسب امکان و توانایی و بینش، این بوده است که معلوم شود در دنیای امروز برای مسلمانان و جامعه اسلامی ایران و پایه‌های عدل و حق، چه تهدیدی از همه بالاتر و چه دشمنی از همه خطرناک‌تر است. نباید در شناخت دشمن اشتباه کرد... نباید تصوّر کرد که دشمن از دشمنی با اسلام و مسلمین دست برداشته است.^{۱۰}

با غلبه انقلاب اسلامی بر حاکمیت طاغوت، دشمنی آمریکا با توجه به از دست دادن منافع خود در منطقه، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و این گستردگی آن قدر فزونی یافت که به عنوان دشمن اصلی انقلاب، قلمداد گردید.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

همه ملت ما دشمن شماره یک خودش را امروز آمریکا می‌داند و آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان می‌باشد.^{۱۱}

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

امروز دشمنی اردوگاه استکبار جهانی با ایران اسلامی به خاطر اسلام است. آن‌ها با اسلام دشمن هستند که بر جمهوری اسلامی فشار وارد می‌کنند. آن‌ها با زنده شدن قرآن دشمن هستند که با ملت ایران، دشمنی می‌کنند و همه ملت‌های مسلمانی که در راه اسلام، مایل به فداکاری و حرکت هستند باید برای مقابله با دشمنان اسلام خود را آماده کنند. ما ملت ایران از این حقیقت به خود می‌بالیم که به خاطر خدا و به خاطر قرآن، مورد کینه و عداوت مستکبران و گردنکشان عالم قرار گرفته‌ایم و الله که آمریکا از هیچ چیز ملت ایران به قدر مسلمان بودن و پای بندی به اسلام ناب محمدی (ص) ناراحت نیست.^{۱۲}

در فراز دیگری می‌فرماید:

مذاکره با آمریکا یعنی معامله با آمریکا و معامله یعنی داد و ستد یعنی یک چیزی بگیری و یک چیزی بده. آن چیزی که شما می‌خواهید بدهید به آمریکا تا در مقابل از او چیزی

بگیرید آن چیست؟ ما چه چیزی می‌توانیم به آمریکا بدهیم و او از ما چه می‌خواهد؟ می‌دانید او از ما چه می‌خواهد «وَمَا تَقْشُرُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ». ^{۱۳} و الله که آمریکا از ملت ایران از هیچ چیزشان به قدر مسلمان بودن و پای‌بندی به اسلام ناب محمدی (ص) ناراحت نیست. من با مذاکره با آمریکا مخالفم و دولت جمهوری اسلامی بدون اجازه من امکان ندارد چنین کاری را بکند و خودشان هم قاعداً با چنین کاری موافق نیستند. ^{۱۴}

کوتاه سخن آن که شناخت دشمن از مهم‌ترین گام‌های تداوم مبارزه پیروزمندانه می‌باشد و امام خمینی و مقام معظم رهبری در طول نهضت همواره بر این نکته اساسی، تأکید می‌ورزیدند و معتقد بودند چنان‌که شناخت و آگاهی، زمینه پیروزی را فراهم می‌کند و غفلت و نداشتن شناخت نسبت به دشمن نیز زمینه استعمار و از بین رفتن فرهنگ دینی را فراهم می‌کند.

هویت دینی از منظر امام و مقام معظم رهبری

از مهم‌ترین نقشه‌های دشمنان انقلاب به ویژه آمریکا، از خود بیگانگی و به عبارتی دیگر، هویت زدایی ملت‌ها می‌باشد. آنان به خوبی دریافته‌اند که ملت‌ها بر اثر وابستگی فکری و نداشتن استقلال فرهنگی پذیرای هرگونه زمینه‌های استعماری خواهند شد. امام راحل (ره) به خوبی دریافته بودند که مشکل بزرگ مسلمانان از خود بیگانگی و خودباختگی می‌باشد و به همین دلیل، راه مقابله با این شگرد دشمن را دست‌یابی به هویت اصیل می‌دانستند. امام (ره) نیک می‌دانستند دشمن مکار تا از بین بردن کامل هویت دینی و ارزش‌های معنوی از پای نخواهد نشست؛ از این رو، در برخورد با دشمنان، همواره این نکته را یادآور می‌شدند که آن‌ها مرز استقلال و آزادی ما را جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنویمان نمی‌شناسند. ^{۱۵} پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل، نقطه عطفی در جهت احیای هویت دینی و نفی هرگونه خودباختگی بود. امام خمینی (ره) با قیام الهی خود، این باور را در میان ملت‌های مسلمان ایجاد کرد که می‌توان با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی و هویت دینی به مجد و عظمت واقعی دست یافت.

از منظر امام (ره) خواستِ غرب بی هویت کردن ملت‌ها است. ایشان می‌فرمود:
 پسند غرب، این است که ما همه چیزمان را تقدیمشان کنیم و بی‌چون و چرا این پسند غرب
 است.^{۱۶}

با این نگرش امام خمینی (ره) هدف نهایی از تهاجم فرهنگی غرب، محو هویت دینی -
 ملی می‌باشد که در نتیجه آن، مردم هیچ گونه استقلالی نخواهند داشت و در این صورت
 غرب، قبله ملت، خواهد شد. از این رو، می‌فرمود:

وقتی بنا شد قبله یک ملتی، غرب باشد، رو به آن جامی ایستد و حرف می‌زند. آتاتورک، من
 در آن وقت در ترکیه بودم، مجسمه‌اش را دیدم که دستش را این طور دراز کرده بود گفتند
 آن‌هایی که آن جا بودند که دستش را طرف غرب، دراز کرده است و می‌گفت که همه چیز از
 آن جا باید باشد و یکی از دانشمندان ما که در زمان سابق بود و بعد هم فوت شد، او در ایران
 گفته بود که ما تا همه چیزمان انگلیسی نشود، نمی‌توانیم درست کنیم خودمان را... این را
 باید به خودمان ثابت کنیم که ما هم آدمیم؛ همه‌اش غرب نیست.^{۱۷}

نقش فرهنگ در هویت جامعه

از منظر امام (ره)، فرهنگ در هویت سازی نقش مهمی دارد. ایشان معتقد بودند:
 فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ، ناصالح شد این
 جوان‌هایی که تربیت می‌شوند این‌ها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری،
 جوان استعماری ایجاد می‌کند.^{۱۸}
 امام (ره) معتقد بودند:

اگر ما موفق بشویم به این‌که فرهنگمان یک فرهنگ اسلامی بشود، مدارسمان یک مدارس
 اسلامی بشود، آن وقت افرادی که از آن تحقق پیدا می‌کنند و افرادی که تربیت می‌شوند در
 آن فرهنگ و در آن مدارس، انسان هستند.^{۱۹}

از دیدگاه امام خمینی (ره) در باب فرهنگ، دو نکته قابل ذکر می‌باشد؛ نکته اول این که
 امام، فرهنگ را اساس هویت جامعه می‌دانستند به همین دلیل، می‌فرمود:

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه، دخالت اساسی دارد
 فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با

انحراف فرهنگ، هر چند جامعه قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مُرتزق از فرهنگ مخالف باشد ناچار ابعاد دیگر آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند.^{۲۰}

نکته دیگر توجه دادن امام (ره) به این مهم بود که فرهنگ ترویجی غرب و دشمنان، غیر از فرهنگی است که خود قبول دارند و از آن پیروی می‌کنند و به عبارت دیگر، امام خمینی (ره) معتقد بودند آنچه برای دشمنان به ویژه غرب مطرح می‌باشد آن است که کشورهای دیگر را به هر طریق ممکن، از فرهنگ غنی خویش، دور کرده، به سوی ابتذال و بی‌هدفی بکشانند.

استفاده از امور تخدیر کننده، هم چون فیلم‌ها و صحنه‌های شهوانی و وارد کردن مواد مخدر با قیمت ارزان برای نابودی نسل جوان تنها نمونه‌هایی از این حرکت گسترده دشمن می‌باشد.

از این رو امام (ره) می‌فرمود:

باید در فرهنگ، توجه به آن داشته باشید و کوشش بشود که خودتان را پیدا کنید. ما گم کرده‌ایم خودمان را. تمام مفاخر شرقی را کنار گذاشته‌ایم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب آن هم نه آنی که آن‌ها دارند، آنی که به ما می‌دهند. اگر آنی که آن‌ها داشتند بسیار خوب، اما آنی که به ما تحویل می‌دهند... نمی‌خواهد برای ما فرهنگ درست کند. این می‌خواهد یک فرهنگ غربی درست کند که در خدمت غرب باشد... هر چند از غرب برای ما می‌آید یا از شرق برای ما می‌آید آنانی است که ما را تباه کرده است.^{۲۱}

مقام معظم رهبری نیز در اهمیت مسائل فرهنگی و فرهنگ می‌فرمایند:

مسائل فرهنگی از مسائل اقتصادی اهمیتش به مراتب بیشتر است؛ چون مسائل فرهنگی در مسائل اقتصادی تأثیر قطعی دارد. فرهنگ در کیفیت و رشد و شکوفایی و همه چیز تأثیر دارد.^{۲۲}

با تبیین دیدگاه‌های امام راحل و مقام معظم رهبری این نکته معلوم می‌شود که گسترده‌ترین جبهه‌ای که مخالفان انقلاب در این عصر گشوده‌اند و بعد از شکست‌های پی در پی در صحنه‌های گوناگون به آن دل بسته‌اند نفوذ در جبهه فرهنگی است. آنان

می‌خواهند از کانال فرهنگ، اندیشه‌ها را تخدیر کنند و افکار را به سمتی سوق دهند که با پای خویش به نفع آرمان‌ها و در راه منافع آن‌ها گام بردارند و هویت دینی را به هویت غیر دینی، تبدیل کنند.

شهید مطهری می‌نویسد:

استعمار سیاسی و اقتصادی، آن‌گاه توفیق حاصل می‌کند که استعمار فرهنگی توفیق به دست آورده باشد و بی‌اعتقاد کردن مردم به فرهنگ خودشان و تاریخ خودشان شرط اصلی این موفقیت است. استعمار، دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده است که فرهنگی که مردم به آن تکیه می‌کنند فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است. پس مردم از آن اعتقاد و از آن ایمان و از آن اعتماد و حسن ظن باید تخلیه شوند تا آماده ساخته شدن طبق الگوی غربی گردند.^{۲۳} با این توضیحات تقابل فرهنگ اسلامی و هویت دینی با فرهنگ غربی روشن می‌گردد.

پیامدهای تضعیف هویت دینی

از برجسته‌ترین آثار پیروزی انقلاب اسلامی، احیای هویت دینی بود. این انقلاب بزرگ، حقیقتی معنوی را متجلی ساخت که همه دل‌ها را مجذوب خود کرد. از آن جا که محور حرکت انقلاب مردم، دین و آرمان‌های والای آن بود دشمنان انقلاب تصمیم گرفتند آن را مورد آماج حملات خود قرار دهند. اگر دین، ارزش‌های دینی و بالاخره هویت دینی به واسطه حرکات سوء دشمنان تضعیف شود پیامدهایی را به همراه خواهد داشت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. انزوای دین و مبانی ارزشی

نامی جز انقلاب اسلامی زینده انقلاب ایران نیست. انقلابی که از متن مردم برخاست و هویت اسلامی را در دل‌ها زنده کرد؛ به گونه‌ای که همه مظاهر و سمبل‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان را تحت تأثیر خود قرار داد. بدیهی است اگر این هویت دینی با این آثار شگرف تضعیف شود، جایگاه دین و ارزش‌های برخاسته از آن در جامعه، کم‌رنگ می‌شود. و دیگر بار مظاهر و سمبل‌های فساد اجتماعی حاکم بر کشورهای دنیا، بر این کشور نیز حاکم می‌گردد.

از آن جا که رهبر انقلاب، بارها اشاره کرده‌اند که هدف اصلی دشمنان خارجی و داخلی، نفی حکومت دینی و اسلامی است و به کم‌تر از این راضی نیستند، آیا اگر هویت دینی و آثار آن در جامعه تضعیف شود، زمینه برای انزوای دین و در نتیجه طرد حکومت دینی، متحقق نخواهد شد؟

با مراجعه به تاریخ، احتمال وقوع چنین حادثه‌ای چندان بعید به نظر نمی‌رسد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

خصوصیت حکومت پیامبر این بود که به جای ایتنا بر ظلم، ایتنا بر عدل داشت. به جای شرک و تفرقه فکری انسان، متکی بر توحید و تمرکز بر عبودیت ذات مقدس پروردگار بود. به جای جهل، متکی بر علم و معرفت بود. به جای کینه‌ورزی انسان‌ها با هم، متکی بر محبت و ارتباط و اتصال و رفق و مدارا بود، یعنی یک حکومت از ظاهر و باطن آراسته... با گذشت ۵۰ سال قضایا عوض شد... به جای حکومت عدل، باز حکومت ظلم بر سر کار آمد. به جای برابری و برادری تبعیض و دو دستگی و شکاف طبقاتی به وجود آمد. به جای معرفت، جهل، حاکم شده؛^{۲۴} از نظریات ایشان استفاده می‌شود که در زمان پیامبر (ص) مردم، پذیرای حکومت و حاکمی چون پیامبر اکرم و پیامدهای ناشی از آن بودند، ولی پس از گذشت ۵۰ سال به واسطه تغییر معیارهای الهی و تضعیف هویت دینی، همه چیز دگرگون شد.

مقام رهبری درباره جایگاه دین و ارزش‌های دینی می‌فرماید:

یک روز برای مسلمین، پیشرفت اسلام و رضای خدا و تعلیم دین و معارف اسلامی و آشنایی با قرآن و معارف آن مطرح بود و دستگاه حکومت، دستگاه زهد و تقوا و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و شهوات شخصی بود، نتیجه آن هم، حرکت عظیمی بود که مردم به سمت خدا کردند. در چنان وضعیتی کسی مثل علی بن ابی‌طالب (ع) خلیفه مسلمین و کسی مثل حسین بن علی (ع) شخصیت برجسته می‌شود... وقتی معیار، خدا، تقوا، بی‌اعتنایی به دنیا و مجاهدت در راه خدا باشد کسانی به صحنه عمل می‌آیند که این معیارها را دارند. این‌ها سررشته کارها را به دست می‌گیرند و جامعه، جامعه اسلامی خواهد شد، اما وقتی که معیارهای خدایی عوض می‌شود هر کس که دنیا طلب‌تر، شهوت ران‌تر و برای به دست آوردن منافع شخصی زرنگ‌تر و با صدق و راستی بیگانه‌تر است سرکار می‌آید... اگر در جامعه ما آن حالت آرمان

خواهی از بین برود یا ضعیف شود... معلوم است که وضع به این جا خواهد رسید... و معلوم است کم رنگ شدن شعارها، بی‌اعتنایی به اصول اسلام و انقلاب... جامعه را به آن جا پیش خواهد برد که به چنان وضعی برسد.^{۲۵}

از نظریات ایشان چنین بر می‌آید که اگر به اصول اسلامی، بی‌اعتنایی شود و هویت دینی، هم چنان در غربت و انزوا باقی بماند، زمینه برای حکومت غیر الهی و غیر دینی، فراهم می‌گردد.

۲. حاکمیت اسلام آمریکایی

از دیگر پیامدهای تضعیف هویتی دینی، حاکمیت اسلام آمریکایی است، که قطعاً شکل کامل اسلامی - که رسالت اداره امور مادی و معنوی بشر از گهواره تا گور را بر عهده دارد - نمی‌باشد.

استکبار غرب در مقابله با انقلاب اسلامی بر آن بود که ابتدا صورت مسأله را پاک کند و نظام اسلامی را براندازد و چون در این راه به طور مستقیم، توفیقی نیافت تصمیم گرفت از طریق فرهنگی و جایگزینی چهره مخدوش و ناصحیحی از اسلام به این امر مبادرت ورزد. تا شاید هویت دینی را از مردم سلب کند.

اما ویژگی‌های این اسلام را باید در دیدگاه‌های رهبر کبیر انقلاب جست‌وجو کرد. امام(ره) در ترسیم ویژگی‌های اسلام آمریکایی می‌فرماید:

اسلام سرمایه‌داران، اسلام مستبکران، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت طلبان، اسلام فرصت طلبان،^{۲۶} اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش، و فرومایگی،^{۲۷} اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرنه‌ها، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام ابوسفیان، اسلام اشرافیت.^{۲۸}

از منظر امام(ره) هر یک از این ویژگی‌ها باعث رشد و حاکمیت اسلام آمریکایی می‌گردد که راه مقابله با این پدیده شوم دشمن، همانا زدودن آثار و صفات اسلام آمریکایی و تقویت ارزش‌ها و هویت دینی می‌باشد. در این جا به بیان اجمالی یکی از این ویژگی‌ها می‌پردازیم. از منظر امام(ره) یکی از ویژگی‌های حاکمیت اسلام آمریکایی «رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی» است. آن‌گاه که این صفت ناپسند در روح آدمی رخنه کند، ارزش‌های دینی را برای

رسیدن به رفاه به آسانی از دست می‌دهد؛ از این رو، امام (ره) مرفهان بی‌درد و تجمل‌گرایان را ترویج دهندگان اسلام آمریکایی می‌دانستند.

توجه به یک گزارش از وضعیت نقطه‌ای در شمال شهر تهران، حساسیت مسأله را بیش‌تر نشان می‌دهد. در شمال شهر تهران و شمیرانات، پولدارهای جدیدی زندگی می‌کنند که در رستوران ژاپنی بیش از ۱۰ هزار تومان برای هر نفر پول غذا می‌دهند... تعدد ساختمان‌های شیک، برج‌های آئینه‌ای، اتومبیل‌های گران‌قیمت، رستوران‌های درجه یک، هر روز بیش‌تر می‌شود. در طبقه ۱۴ یکی از این برج‌ها، استخر شنای زیبایی ساخته شده که ثروتمندان، روزهای گرم تابستان را در کنار آن می‌گذرانند. در این گزارش به رستوران‌های برج سفید... آبشار هیلتون و... اشاره شده که مرکز بریز و پاش ثروتمندان تازه به دوران رسیده است... از مدل‌های ماشین لوکس وارداتی و خانه‌های افسانه‌ای مانند برج کامرانیه نام برده شده که در طبقات مختلف آن چندین استخر ساخته شده است.^{۲۹}

تصویر و ارائه این نوع گزارش، حاکی از فاصله گرفتن و دور شدن بعضی از ثروتمندان از ارزش‌های دینی، وابستگی و زراندوزی است. امام بزرگوارمان می‌فرمود:

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی، سازگار نمی‌باشد و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آن‌هایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند.^{۳۰}

۳. حذف رهبری دینی

یکی از پیامدهای تضعیف هویت دینی، حذف رهبری دینی می‌باشد. بدیهی است هر نظامی دارای اصول و ارزش‌هایی است که حیات آن بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد. نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز دارای اصول، ارزش‌ها و حرمت‌هایی است که به واسطه آن، هویت دینی و حیات معنوی افراد خود را پوشش می‌دهد.

از جمله اصل‌هایی که از حساسیت بیش‌تری برخوردار می‌باشد و قوام و بنیان نظام بر آن نهاده شده است ولایت فقیه و رهبری دینی می‌باشد.

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بر مبنای رهبری دینی و ولایت فقیه، ثابت کرد حکومت دینی می‌تواند دست بیگانگان را از کشورهای اسلامی کوتاه و زمینه خیزش عمومی را در جهان اسلام برای رسیدن به ارزش‌های دینی فراهم سازد.

دشمنان اسلام که به قدرت عظیم رهبری دینی در حکومت اسلامی پی برده‌اند با واسطه و بی‌واسطه، مبنای رهبری در اسلام را مورد تهاجم و تاخت و تاز قرار داده‌اند. طرح مطالبی هم چون «مصلحت روحانیت حکومت نمی‌باشد»^{۳۱} «پایه‌گذاری نظام دنیائی امروز بر اساس نظریه مقلد و مجتهد، بازگشت به حکومت مطلقه و استبداد است»^{۳۲}، و یا «ملت ایران، صد ساله است؛ قیم نمی‌خواهد و قیم تراشی برای ملت ایران، یک حیلۀ امپریالیستی است»^{۳۳} و مانند این‌ها نشان از توطئه عظیمی دارد که دشمن - در راه خدشه وارد کردن به مبنای رهبری دینی - عزم خود را بر آن جزم کرده است. طرح تضعیف هویت و ارزش‌های دینی برای آمادگی جامعه در طرد رهبری دین از دیگر شگردهای دشمن می‌باشد که در سال‌های اخیر بیش‌تر نمایان شده است.

اگر در جامعه‌ای، ارزش‌های دینی، گسترش یابد بدیهی است جامعه خواهان رهبری دینی و الهی خواهد بود که شتاب آن‌ها را در راه حرکت به سوی آرمان‌های دینی بیش‌تر کند. امتی که رهبری دینی را می‌پذیرد زمینه مبارزه با فساد و تباهی و برچیدن خودکامگی را فراهم می‌کند. برعکس اگر ارزش‌های دینی، کم رنگ شود ضد ارزش‌ها جامعه را فرا می‌گیرد و هدایت و رهبری دینی، مردم به سمت حق، مفهوم خود را از دست می‌دهد. به دیگر سخن، مردمی که بر پیشوایی فرعون و فرعونیان، گردن نهند زمینه مبارزه با رهبری دینی و الهی را فراهم می‌کنند و در این صورت است که رهبری امت، مردم را به تباهی و فساد و غرق شدن در شهوات فرا می‌خواند.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

وقتی که خواص طرفدار حق در یک جامعه، آن چنان می‌شوند که دنیای خودشان بر ایشان اهمیّت پیدا می‌کند، از ترس جان، از ترس از دست دادن مال و از دست دادن مقام و پست...

حاضر می‌شوند حاکمیت باطل را قبول کنند و در مقابل باطل نمی‌ایستند. وقتی این طور شد، اولش با شهادت حسین بن علی (ع) با آن وضع آغاز می‌شود.^{۳۴}

این بخش از گفتار ایشان، گویای ارتباط مستقیم بین ارزش‌ها و آرمان‌های دینی و رهبری دینی از یک سو و ارتباط بین ضدا ارزش‌ها، فساد و رهبری ضد دینی از سوی دیگر می‌باشد. به دیگر سخن، وقتی در جامعه‌ای خواص و دولتمردان، ارزش‌های دینی را کنار گذاشتند و هویت واقعی خود را فراموش کردند، عوام نیز به پیروی از آنان به فساد روی می‌آورند و روی آوردن به بی‌هویتی، مساوی با طرد رهبری سالار شهیدان، و پذیرفتن رهبری یزید است.

خلاصه کلام، این که طرح ضدیت با رهبری دینی و ولایت فقیه در چهار چوب تهاجم فرهنگی غرب، در ماه‌های اخیر، نمود بیش‌تری داشته است. طرح تعبیری هم چون «فقه، علمی دنیوی است و با آن نمی‌توان جامعه‌ای آرمانی - ایمانی ساخت» و یا این که «اگر به مذهب و سنت‌های مکاتب الهی نیز معتقد نباشیم با قوانین طبیعی می‌توانیم برای خود هویتی استوار کنیم» و طرح صریح «نفی قانون اساسی به دلیل وجود اصل ولایت فقیه» و مانند آن همه نشان از ضدیت دشمنان با رهبری دینی می‌باشد.

باید آگاه باشیم ترویج تز «اسلام منهای روحانیت» در راستای طرح ایجاد رفرم دینی توانست حضور روحانیت را در نهضت مشروطه، عقیم سازد. ترفندهایی که در این راه به کار برده شد عبارت بودند از نکوهش تقلید از فقیهان، به ریشخند گرفتن روحانیان و به صحنه آوردن چهره‌های بی‌خبر از اسلام به عنوان کارشناسان دین^{۳۵} و... اینک نیز دشمن در صدد است تاریخ را تکرار کند.^{۳۶}

۴. محو فرهنگ کفر ستیزی

از پیامدهای دیگر تضعیف هویت دینی، محو فرهنگ کفر ستیزی می‌باشد. برخی بر این باورند که امروزه باید در نحوه و چگونگی رابطه با غرب و استکبار، تجدید نظر کرد و دیگر توطئه و خطری از جانب دشمن متوجه ما نمی‌باشد. بدیهی است با چنین نگرشی، حساسیت ملت در قبال عملکرد دشمن در مسائل گوناگون از بین برود. شیوع این فکر و اندیشه، یعنی نابودی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌های نشأت گرفته

از آن. به عبارت دیگر، بدون اعتراض و ایستادگی و حساسیت به سلطه بیگانگان و مقاومت در برابر آنان انقلاب هرگز تحقق پیدا نمی‌کرد.

صفحات کتاب گران سنگ و وزین «صحیفه نور»، گواه خوبی بر این مطلب است که بنیانگذار نظام مقدس اسلامی در هر شرایطی، توجه ملت را به توطئه‌های دشمنان جلب می‌کردند. که به برخی از این عبارات اشاره می‌شود.

ملت‌های مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرت‌ها با خود بگذارند؛ مگر آن که خلاف عینی و عملی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند.^{۳۷}

من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم، قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آن‌ها مطمئن باشند که اگر خمینی، یگه و تنها هم بماند به راه خود - که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است - ادامه می‌دهد.^{۳۸}

اگر ما تسلیم آمریکا و ابرقدرت‌ها می‌شدیم ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد... ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافتمان از بین می‌رفت... هرگز ملت ایران، زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این ذلت نخواهد داد. ملت ایران در مقابل آمریکا می‌ایستد.^{۳۹}

الان هم اگر شما دولستان، ملتتان، تسلیم بشوید به آمریکا، همه چیز به شما می‌دهند؛ اما چی؟ همان چیزی را می‌دهند که به حیواناتشان می‌دهند. همان چیزی را می‌دهند که به اسب‌هایشان می‌دهند، همان چیزی را می‌دهند که به نوکرهایشان می‌دهند... ما باید ایستادگی کنیم.^{۴۰}

پی‌نوشت‌ها:

۱. مارشال مک لوهان؛ جامعه شناس کانادایی که تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته بود، فرضیه دهکده جهانی را مطرح کرد. او معتقد است به جهت پیشرفت دایره ارتباطات تمام دنیا حکم یک دهکده را پیدا خواهد کرد.
۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۵.
۳. دائرة المعارف علوم اجتماعی، دکتر ساروخانی، سازمان انتشارات کیهان، تهران، پاییز ۱۳۷۰، ص ۳۴۲.
۴. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷؛ با اندکی تلخیص.
۵. «وَأَلَيُّومُ الْمَوْعُودُهُ» بروج (۸۵)، آیه ۲.
۶. سیمای فرزانه‌گان، ج ۳، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۶۶، ص ۳۸۰.
۷. فرقان (۲۵)، آیه ۶۳.

۸. حضرت امام خمینی (ره) از دیدگاه رهبری، مؤسسه قدر ولایت، مشهد آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۸، ص ۲۸.
۹. برای رعایت اختصار، فقط به تبیین یک شاخصه بسنده می‌شود.
۱۰. پاسدار اسلام، ش ۱۲۹، ص ۱۶، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. آمریکا از دیدگاه امام خمینی، ص ۳۲۱ و ۳۲۳، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بهار ۱۳۷۸.
۱۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۱۹.
۱۳. بروج (۸۵)، آیه ۸.
۱۴. جمهوری اسلامی، خرداد ماه ۷۱، ویژه نامه سومین سالگرد امام خمینی (ره)، ص ۵.
۱۵. ر.ک. خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی، ص ۵۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، پاییز ۱۳۷۷.
۱۶. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۹۳.
۱۷. همان، ج ۱۱، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.
۱۸. دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۳، مؤسسه نشر تحقیقات ذکر، بهار ۱۳۷۴.
۱۹. همان، ص ۲۷.
۲۰. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰.
۲۱. دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۴۲.
۲۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۳۸۲.
۲۳. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۵۳، نشر صدرا، سال ۱۳۵۹.
۲۴. رسالت خواص و عبرت‌های عاشورا، ۲۷۷ و ۲۷۸.
۲۵. همان.
۲۶. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۴.
۲۷. همان، ج ۲۱، ص ۳۰.
۲۸. همان، ج ۲۰، ص ۲۳۱.
۲۹. ماهنامه صبح، آبان ۷۵، ص ۱۲.
۳۰. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۵.
۳۱. جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۲ / ۷۹، ص ۱۲.
۳۲. همان.
۳۳. همان.
۳۴. رسالت خواص، ص ۲۹۸.
۳۵. هویت، ص ۴۳ و ۴۵.
۳۶. همان، ص ۴۷.
۳۷. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸.
۳۸. همان، ج ۲۰، ص ۱۱۳.
۳۹. همان، ج ۱۷، ص ۵۱.
۴۰. همان، ج ۱۷، ص ۹۸ و ۹۹.